

جنبش کارگری و روز اول ماه مه

جنبش کارگری، امسال نیز همسان سالهای پیش با صفوفی پراکنده، جبهه ای گسسته، فاقد دورنما، سنت وار و سردرگم آستان اول ماه مه را دق الباب می کند. سالی که گذشت سال عقب نشینی های افزونتر، شکستهای سخت تر، سال انفصال ژرفتر از جبهه راستین مبارزه و آویختن اسفبارتر کارگران دنیا به راه حلهای بورژوائی بود. در سال گذشته اعتصابات، اعتراضات، پیکت ها، جنگ و جدلهای خیابانی و اشکال مختلف پیکار توده های کارگر علیه گرسنگی، بیحقوقی و سطح نازل معیشت در همه کشورهای جهان با شدت و وسعت ادامه یافت اما سوسیالیسم واقعی کارگری در جنبش جاری طبقه کارگر جهانی هیچ حضور محسوسی نداشت.

کارگران دنیا در طول این سال بیشتر از سالهای قبل تولید کردند، عظیم تر از همیشه بر سرمایه سرمایه داران افزودند، ارقام نجومی سود انحصارات و بخشهای مختلف سرمایه جهانی در پرتو تعمیق استثمار طبقه کارگر از همه وقت نجومی تر و غول آساطر شد. همزمان در طی همین سال فقر، فلاکت، مردن زیر فشار گرسنگی، بی مسکنی، بی بهداشتی، بی آموزشی، بیخانمانی، محرومیت از آب آشامیدنی و پوشاک، محرومیت از ابتدائی ترین وسائل معیشتی، بخشهای بسیار عظیم تری از کارگران کشورها را در کام خود فرو کشید. صدها میلیون کودک در چهار گوشه جهان، زیر فشار فقر و ناداری، بجای مدرسه و درس و آموزش، به مخوف ترین و مرگبارترین شرایط کار و استثمار سرمایه جهانی تن دادند، بهره کشی از کار کودکان، خرید و فروش آنها بصورت برده و سوء استفاده جنسی از آنان در ابعاد بسیار بیسابقه ای توسعه یافت. تجارت زنان بصورت کالا و اجبار صدها میلیون زن به تن فروشی برای تأمین نان روزمره خود و فرزند، همسان همه پدیده های شوم و هولناک نظام سرمایه داری گسترده و گسترده تر شد. سال گذشته سال آوارگی بیش از پیش کارگران و توده های فرودست دنیا، در این گوشه و آن گوشه جهان، ایام تهاجمات تاتارگونه متحد دولتهای سرمایه داری علیه هر نوع حق و حقوق انسانی این آوارگان و دفن کردن آنها در اعماق آبهای مدیترانه، بالتیک و هر نقطه دیگر بود. در این سال جنگ افزوی و بربرمنشی میلیتاریستی سرمایه داری علیه بشریت با شدت و حدت همیشگی ادامه یافت. سرمایه جهانی در سرزمین فلسطین لحظه به لحظه فاجعه آفرید و از کشتار بی پناهترین و محروم ترین انسانها سیل خون جاری ساخت. سال نخست هزاره سوم سال یکه تازی و توسعه تعرض بورژوازی بین المللی به تمامی دستاوردهای تاکنونی کارگران دنیا و سال عجز و فروماندگی جنبش کارگری از آرایش مناسب قوای طبقاتی خود در برابر این تعرضات بود.

نظام کاپیتالیستی زیر فشار انحطاط بالفعل و درونی اش به فاز جدیدی از توحش، تعمیق استثمار و ساقط نمودن توده های کارگر از هستی پا نهاده است. پروسه جدائی کارگران جهان از حاصل کار خویش و روند طرد انسانها از هر نوع ابراز نظر پیرامون سرنوشت زندگی و تولیداتشان به چنان شدت و ابعادی صعود کرده است که فقط و فقط بودجه تسلیحاتی سالانه کشور امریکا با کل هزینه خورد و خوراک و پوشاک و تحصیل و مسکن و دارو و درمان و بهداشت و همه چیز بیش از یک میلیارد سکنه کره زمین برابری می کند. سببیت و انحطاط سرمایه داری به فازی پیوسته است که تنها و تنها سهمیه چند انحصار عظیم بین المللی از محل استثمار توده های کارگر کشورها بر تمامی هست و نیست و هزینه زیست سالانه یک میلیارد زن و مرد و کودک کارگر فراتر رفته است. طبقه کارگر در غیاب جنبش نیرومند سوسیالیستی خویش، بی افق، سردرگم، مأیوس و زمینگیر از فشار عوارض شوم میدانداریهی سالیان دراز سوسیالیسم روسی و سایر اشکال سوسیالیسم بورژوائی به نازلترین سطح آرایش قوا و به پائین ترین توان مقاومت در برابر تعرضات همه سویه سرمایه جهانی عقب نشسته است. اتحادیه های کارگری در سراسر دنیا نه فقط ظرف هیچ مقاومت طبقاتی توده های کارگر علیه این تعرضات نیستند که همپای تمامی نهادها و ارگانهای نظم سرمایه، طبقه کارگر را به پذیرش وضعیت موجود دستور میدهند.

در چنین شرائطی حیاتی ترین سؤال برای هر کارگری در هر گوشه دنیا این است که با روند جاری اوضاع و در مقابل نظام اجتماعی بانی و باعث همه این سیه روزیها چه باید کرد؟ سرانجام سردرگمی ها، تمکینها، توسل به راه حلهای سندیکالیستی یا تمسک به هر نوع راه حل متناظر با قبول سلطه مناسبات مسلط موجود چیست؟ آیا باید منتظر ماند تا فقر، گرسنگی، بیخانمانی، بیسوادی، اعتیاد، فحشاء و سایر سیه روزیهای منبعث از استثمار کاپیتالیستی باز هم انبوه عظیم تری از فروشندگان نیروی کار را در میان شعله های خود خاکستر سازد؟! آیا باید نظاره گر بی اعتراض تنزل ثانیه به ثانیه سطح معیشت چندین میلیارد جمعیت سکنه زمین به نفع رشد غول آسا و غول آساطر سرمایه جهانی باقی ماند؟! آیا منتظر آیم تا فشار گرسنگی و بیکاری و بیحقوقی سرمایه داری خیل عظیم تری از کودکان جهان را در سیاهچالهای فروش نیروی کار به چنگال مرگ بسپارد؟! آیا تبدیل چند صد میلیون طفل نوپای جهان به کودکان خیابانی زیر فشار جنایت و شرارات سرمایه بند بند وجود هر انسان با شرفی را از هم نمی گسند؟! آیا قرار است دولتهای تبهکار سرمایه داری دریاها و اقیانوسهای بیشتری را به گورستان مردم آواره کارگر و فرودست

دنیا مبدل نمایند؟! آیا بناست دولتهای هار و جنگ افروز سرمایه داری در امریکا، اروپا و سایر نقاط جهان اجازه یابند تا بخش عظیم تری از ساکنان دنیا را به سرنوشت مردم عراق و فلسطین و بالکان دچار سازند؟! اگر پاسخ این پرسشها منفی است در این صورت برای رهائی خود و فرزندان خود از فرجام شوم این روند و برای نجات بشریت از چنگال بربریت، استثمار، توحش، جنگ افروزی و جنایات رو به توسعه سرمایه داری چه چاره ای می اندیشید؟! قرار است باز هم زیر بیرق اتحادیه های منحل در نظم اجتماعی سرمایه داری از هر نوع اعتراض و مبارزه طبقاتی به نفع مصالح و ملزومات سودآوری سرمایه ها چشم ببوشیم؟! قرار است در انتظار معجزات مصلحین و منادیان اصلاح توحش سرمایه داری سیاست صبر و انتظار پیشه کنیم؟! اگر چنین فکر نمی کنیم پس چاره درد را چگونه می بینیم و راه حل روشن و عملی مان برای تغییر وضعیت موجود چیست؟!

در پاسخ این پرسش سرنوشت ساز تاریخی باید بپذیریم که هیچ چشم اندازی برای تداوم زندگی بشر در هیچ نوع داربست کاپیتالیستی موجود نیست. هیچ اصلاحی در این نظام هیچ گشایشی در معضلات مرگبار زندگی کارگران و فرودستان جهان پدید نمی آورد. طبقه کارگر بین المللی برای رهائی از این وضعیت شوم، سواى سازمان دادن شورائی، سراسری و متحد قدرت خویش در جبهه کارزار سوسیالیستی علیه سرمایه داری هیچ راه حل دیگری در پیش روی ندارد. آنچه می تواند افق رهائی از چنگال سیه روزیهای کنونی را در برابر انسان عصر بگشاید تنها و تنها تدارک یک پیکار سراسری سوسیالیستی برای لغو کار مزدوری و برچیدن نظام بردگی مزدی است. برای پیشبرد این هدف چاره ای نیست جز اینکه:

۱ - پروسه عینی، عملی و نقشه مند رهائی طبقه کارگر و کل شهروندان هر جامعه از رابطه خرید و فروش نیروی کار را بصورت یک راه حل زنده و شفاف اقتصادی، سیاسی، مدنی و اجتماعی به پرچم پیکار جاری خود مبدل سازیم. آلترناتیو حی و حاضر و روشن طبقاتی خویش برای سازماندهی اقتصاد، سازمان کار و مدنیت سوسیالیستی را شالوده اساسی مبارزات روزمره خود علیه استثمار و بیحقوقی کاپیتالیستی قرار دهیم. بر این راستا جنبشی بحق سوسیالیستی با رویکرد تغییر عینیت موجود پدید آوریم. ما باید نشان دهیم که طبقه ای خیالباغ، اتوپیک، بی راه حل، شعارپرداز و بدون افق نیستیم. باید نشان دهیم که زیباترین، مادی ترین، گویاترین، علمی ترین و چاره سازترین نقشه برپائی یک جامعه و جهان فارغ از بردگی مزدی و آکنده از رفاه و آسایش و برابری و رشد و تعالی انسانی را در دست داریم. بی تفاوتی ما نسبت به ارائه یک راه حل بالفعل و عملی کمونیستی در هر جامعه و در سراسر جهان به معنای صحنه گذاری ما بر حقانیت رابطه خرید و فروش نیروی کار و اجتناب ناپذیری تسلط شیوه تولید کاپیتالیستی است.

۲. باید مطالبات خود در مبارزات روزمره را بر محور تعرض علیه بازتولید شرایط خرید و فروش نیروی کار و به بیان روشن تر علیه شرائط بازتولید نظم تولیدی، مدنی و سیاسی سرمایه متمرکز سازیم. هر چه در جهان تولید شده است حاصل کار و زحمت ماست. سلسله جبال سر به فلک کشیده سرمایه ها را ما آفریده ایم و هر چه خوراک و پوشاک و مسکن و دارو درمان و مدرسه و امکانات پزشکی و آموزشی در دنیا وجود دارد همه و همه محصول کار طبقه ماست، چرا باید ما نیروی کارمان را بفروشیم و چرا باید حاصل کار خود را خریداری کنیم. تحمل این شیوه زیست، ننگ زندگی انسان عصر است. ما باید در مطالبات روزمره پیکار مان خواستار آموزش رایگان، بهداشت رایگان، ایاب و ذهاب رایگان، خورد و خوراک و پوشاک رایگان، خواهان زندگی سراسر رایگان شویم. ما باید زندگی رایگان سراسر برابر برای همه آحاد بشر را مضمون مبارزه روزمره خود سازیم.

۳ - برای تحمیل مطالبات جاری پیکار خود علیه سرمایه داران یا دولتهای سرمایه داری و برای متشکل ساختن طبقه خویش و همه فرودستان جامعه حول مبارزه سراسری علیه بود بقای سیستم کاپیتالیستی نمی توانیم به داربست کهنه سندیکاها یا سندیکاسازیها، به احزاب و اپوزیسیونهای فرمیستی یا به انواع و اقسام امامزاده های دروغین و بی اعجاز کارگرها! توسل جوئیم. سازمانیابی توده ای در شوراهای کارگری، تحمیل موجودیت این شوراها بر دولتها به ضرب پیکار طبقاتی و توسعه این شوراها به ظرف سراسری مبارزه علیه نظام سرمایه داری شرط ضروری و حتی تمرکز قوای ما در جبهه نبرد علیه سرمایه داری است. این شوراها را در همه جا بوجود آوریم و برای گسترش و تقویت و توفنده ساختن آنها تمامی نیروی آگاهی و شعور و درایت طبقاتی مان را بکار گیریم.

۴. سرمایه داری، نظامی بین المللی و طبقه ما نیز طبقه ای جهانی است. کل کارگران دنیا توسط کل سرمایه جهانی استثمار می شوند. بخشهای مختلف بورژوازی بین المللی در پاسخ به ملزومات توسعه و بقای نظام بردگی مزدی و در کسب سهم خویش از استثمار طبقه کارگر جهانی بسان سهامداران یک بنگاه اقتصادی واحد عمل می کنند. رهائی واقعی و نهائی از استثمار کاپیتالیستی در هر گوشه ای از جهان در گرو دفن همیشگی لاشه متعفن کل نظام سرمایه داری در گورستان تاریخ است. از این گذشته پیروزی ما در هر برهه از مبارزات جاری و روزمره نیز بستگی بسیار عمیقی به چگونگی اتحاد و پیوند سراسری گردانهای پراکنده پیکار طبقه ما در دنیا دارد. در شرائطی که بخشهای مختلف بورژوازی جهانی هر روز بیشتر از روز گذشته برای جنگ علیه ما متحدتر می شوند، در موقعیتی که بورژوازی ممالک اروپائی زیر پرچم EU صفوف خود را برای تعمیق استثمار و سیه روزی کل کارگران اروپا و جهان فشرده تر میسازند، در روزهایی که کل نمایندگان سرمایه جهانی، تمامی احزاب سیاسی شناگوی سرمایه و تمامی اتحادیه های کارگری منحل در ملزومات استثمار پرولتاریا توسط سرمایه، برای به خون کشیدن کارگران فلسطین، یوگسلاوی، افریقا، روسیه و آسیا و همه جاهای دیگر دست در دست هم دارند، آری در این شرائط یا در هر شرائط دیگر، بخشهای پراکنده طبقه ما در پنج قاره جهان نمی تواند نسبت به اهمیت سازماندهی متحد سراسری و بین المللی پیکار طبقاتی خود علیه کار مزدوری بی تفاوت باقی ماند. گسستگی موجود و بی اعتنائی کارگران کشورها به سرنوشت مبارزه توده های طبقه خود در بخشهای دیگر

دنیا، بی تفاوتی کارگر انگلیسی، آلمانی، سوئدی، امریکائی، روسی و کارگر هر کجای دیگر به جنایات سرمایه علیه کارگر ایرانی، فلسطینی، یوگسلاو و عراقی و... بدون چون و چرا یک جرم نابخشودنی است. کارگر اروپای غربی و شمالی، کارگر امریکائی و کانادائی باید بدانند که با سکوت خویش در برابر تجاوزات وحشیانه سرمایه بین المللی علیه توده های کارگر و فرودست بالکان، افریقا و آسیا، فقط طناب دار سرمایه را بر گلوی خود فشرده تر میسازد. هر اعتراض کارگران هر گوشه دنیا برای احقاق خویش و هر تعرض طبقه کارگر هر جامعه علیه بورژوازی باید با جانبداری مؤثر و عملی کارگران همه کشورها پشتیبانی گردد.

برگزاری سنت وار مراسم اول ماه مه هیچ دردی را از طبقه کارگر هیچ کجای دنیا درمان نمی کند. بیائید تا برای پایان دادن به دوران بردگی مزدی، برای پایان دادن به عصر سلطه سرمایه و جدائی انسان از حاصل کار و تولیدات خویش، فاز نوینی از مبارزه طبقاتی و بین المللی را آغاز کنیم.

بیایید این روز را به نقطه شروعی برای سازمان دادن جنبش لغو کار مزدوری و توسعه جنبش شورائی و سوسیالیستی در تمامی مراکز کار و تولید در سرتاسر جهان مبدل سازیم.

بیایید تا در مقابل کلیه راه حلهای مسلط یا اپوزیسیون نمایانه بورژوائی، سوسیالیسم راستین کارگری را در قالب یک برنامه جامع الاطراف اقتصادی، سیاسی، مدنی و اجتماعی گسسته از کار مزدوری بر سر دولت ها و بانیان نظام انسان ستیز سرمایه داری فرو کویم.

بیائید تا سندیکالیسم و رفربیسیم را از هر نوعش که باشد مسالمت، جوینانه یا میلیتانت به بایکانی تاریخ بسپاریم. بجای تکی حق تشکل سندیکائی از دولتهای سرمایه داری جنبش توفنده تعرض علیه اساس مالکیت خصوصی و کار مزدوری را سازمان دهیم. با برپائی شوراهاى کارگری و تحزب راستین کمونیستی خویش نیروی عظیم طبقاتی و بین المللی مان را در عرصه پیکاری تاریخی و سرنوشت ساز برای رهائی کل بشریت از شر تمامی فجایع و سیه روزیهای جامعه کاپیتالیستی بنمایش گذاریم.

بیائید تا درفش سرخ انترناسیونالیسم، پرچم پرافتخار کمونیسم و مشعل نیرومند مارکسیسم را در جایگاههای واقعی خود، در پیشروى جنبشهای راستین کمونیستی و کارگری دنیا به اهتزاز در آوریم.

کمونیست امروز